

بررسی و تحلیل اقتصاد اسلامی به عنوان الگویی نو در اقتصاد مقاومت

نیلوفر فولادی^۱، سعید فراهانی فرد^۲^۱ دانشگاه قم، nilufar.fuladi73@gmail.com^۲ دانشگاه قم، saeed.farahanifard@gmail.com

چکیده

نظام اقتصادی اسلام مجموعه ای از الگوهای رفتاری و روابط اقتصادی در حوزه های تولید، توزیع و مصرف است که از کتاب و سنت پیامبر اکرم و امامان معصوم و عقل استنباط می شود. الگوهای پیش گفته چگونگی پیوند شرکت کنندگان در نظام اقتصادی به یکدیگر و منابع اقتصادی را تبیین کرده و براساس مبانی پیش بینی و در چارچوب اخلاق و حقوق اقتصادی اسلام در جهت هدف های اسلام در جهت هدف های اقتصادی اسلام سامان یافته اند. مقاله پیش رو درصدد معرفی روشی برای کشف نظام اقتصادی اسلام است و به این نتیجه می رسد که در کشف نظام اقتصادی اسلام به عنوان نظام اقتصادی مطلوب از منابع اسلامی نمی توان به روش اجتهاد جزء گرایانه مرسوم بسنده کرد، بلکه افزون برآن لازم است از اجتهاد سیستمی درروش های مطالعه نظام اقتصادی در اقتصاد کلان بهره برد و باگسترش قلمرو اجتهاد از احکام فرعی فقهی به هدف ها، مبانی، روابط و ترکیب آگاهانه آن با روش های مطالعه نظام اقتصادی در اقتصاد کلان به نظام اقتصادی اسلام را به عنوان کل منسجم درک کرد.

واژه های کلیدی

اقتصاد اسلامی، اقتصاد مقاومتی، الگوی اقتصادی.

مقدمه

پرسش از ماهیت اقتصاد اسلامی ناشی از رشد علم اقتصاد پس از رنسانس در غرب است بیش از دو قرن پیش از علم اقتصاد در امان مکتب سرمایه داری متولد شد و به تکامل رسید و امروزه دارای موضوع مسائل و روش مشخص و کاربرد پذیرفته شده ای در دنیاست.

منابع اسلامی یعنی قرآن و سنت تاکید دارند که رفتار اقتصادی انسان باید در چارچوب هنجارها، ارزش های اخلاقی و الگوهای رفتاری که قرآن و سنت تعریف می کنند قرار می گیرد. این مطلب حتی در آیات مکی قرآن که در دوره پیش از هجرت بر پیامبر(ص) نازل شده اند به طور کامل مشهود است. به ویژه که در دوران مکه، دوران قانونمند شدن اصول عقاید اسلامی و اظهار نظر منتقدانه درباره الگوهای رایج رفتاری بود [۶].

از آنجا که اقتصاد مقاومتی اصطلاحی است که نخستین بار به وسیله مقام معظم رهبری مطرح شده، لازم است آن گونه که مورد نظر وی است تفسیر شود، از این رو هر تفسیری از اقتصاد مقاومتی باید مستند به بیانات وی باشد. از سوی دیگر لازم است بیانات وی از سال ۸۸ تاکنون که بر بحث های اقتصادی تاکید کرده است.

اهداف مقاله

مقاله در نظر دارد تعریف های گوناگون علم اقتصاد اسلامی را بررسی کند. قلمرو آنها را بیابد و برای استخراج روش آن بکوشد. همان گونه که در مقاله خواهیم دید به نظر می رسد بین اقتصاد دانان اسلامی در مورد تعریف علم اقتصاد اسلامی قلمرو آن، نسبتاً با علم اقتصاد، روش ها و شیوه های تحلیل و حتی در بعضی از فرض های اساسی آن توافقی وجود ندارد. این مقاله تلاشی در جهت بازتاب آرای گوناگون درباره موضوعات کوششی در حد بضاعت بشری برای اثبات برخی از آنهاست.

تعریف علم اقتصاد اسلامی و قلمرو آن

علم اقتصاد اسلامی چه چیزی را ارائه می دهد؟ اصطلاح(علم اقتصاد اسلامی) ممکن است چنین تعریف شود:

علم اقتصاد عبارت است از بررسی محدوده ای از مطالعات که بر فرض وجود اصول موضوعه اسلامی در محیط اجتماعی- سیاسی- قانونی وجود نظام ارزش ها و اخلاقیاتی که رفتار اقتصادی زنان و مردان را در جامعه اسلامی هدایت میکند مبتنی است. این سبک نگرش به علم اقتصاد اسلامی به همانند آن است که (علم اقتصاد سرمایه داری) تحلیل های اقتصادی تلقی شود که بر الگوی سرمایه داری مبتنی است. در این نگرش علم اقتصاد اسلامی صرفاً به شاخه ای از علم اقتصاد می شود که باید در محیط نظام های اقتصادی همچون دیگر نظام ها مورد مطالعه قرار گیرد [۱].

راهبردهای فنریت اقتصادی

دو راهبرد فنریت اقتصادی شامل مدیریت بهبود و اقدامات تسکینی است. اقدامات تسکینی نوعاً برای کاهش احتمال شکست و نیز کاهش آسیب پذیری از طریق ارتقای مقاومت اقتصادی عمل می